

# نقش برنامه‌ی درسی پنهان در طراحی آموزشی

## اشاره

آن چه طراحان و برنامه‌ریزان درسی، برای رشد و تربیت فراگیرندگان طراحی و برنامه‌ریزی می‌کنند، برنامه‌ی درسی رسمی است. برنامه‌ی درسی هدف‌های آموزشی مدون و آشکاری دارد و محتوای معینی برای هدف‌ها انتخاب و سازمان‌دهی می‌شود. اصول و روش‌های یاددهی-یادگیری متناسب با هدف‌ها و محتوا تعیین و پیشنهاد می‌شوند و در مورد ارزشیابی نیز تصمیم‌گیری و هماهنگی به عمل می‌آید. پرسش اساسی این است که: «آیا مجموعه‌ی یادگیری‌های دانش‌آموز به برنامه‌ی درسی رسمی محدود است یا خیر؟» آیا می‌توان عوامل مؤثر در شکل‌گیری تجربه‌ها را تحت کنترل درآورد و جز تأثیر و دخالت برنامه‌ی درسی، آشکارا تأثیر عوامل دیگر را مانع شد؟

چنین کاری در عمل ناممکن است. زیرا عوامل دیگری که جزو برنامه‌ی درسی نیستند و از دید برنامه‌ریزان و دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت نیز پنهان هستند، بر فکر، عواطف و رفتار یادگیرنده اثر می‌گذارند و حتی در اغلب موارد، مؤثرتر از برنامه‌ی درسی عمل می‌کنند. قوانین و مقررات مدرسه، جو اجتماعی آن و رابطه‌ی رویاروی معلم و دانش‌آموزان، از اهم این عوامل هستند. اثرگذاری این عوامل، باعث شکل‌گیری پدیده‌ای می‌شود که در ادبیات برنامه‌ی درسی، آن را «برنامه‌ی درسی پنهان» می‌نامند. در اهمیت و تأثیر برنامه‌ی درسی پنهان گفته شده است: «برنامه‌ی درسی پنهان، در حدی معنی‌دار، تعیین‌کننده‌ی آن چیزی است که مبنای احساس ارزش و عزت نفس همه‌ی شرکت‌کنندگان قرار می‌گیرد و همین برنامه‌ی درسی پنهان است که بیش از برنامه‌ی درسی رسمی در سازگاری شاگردان و معلمان تأثیر دارد. هیچ کودکستان، دبیرستان و یا دانشکده‌ای را نمی‌شناسیم که نوعی برنامه‌ی درسی پنهان را بر شاگردان و هیئت آموزشی خود تحمیل نکرده باشد. اگرچه هر برنامه‌ی درسی ویژگی‌هایی دارد که خاص مؤسسه‌ای معین است، ولی وجود این گونه برنامه‌های پنهان، تا حد بسیار زیادی کل فرایند تعلیم و تربیت را تحت تأثیر قرار می‌دهد.»

## عوامل مؤثر بر

## برنامه‌ی درسی پنهان

برنامه‌ی درسی پنهان، بعد غیرقابل پیش بینی یادگیری است. طراحی آموزشی بدون توجه به این بعد، غفلت از عوامل مهمی است که در یادگیری دانش‌آموزان تأثیر فراوان دارد. معلمان در طراحی آموزشی، معمولاً به عوامل آشکار مؤثر در تدریس توجه می‌کنند و از عوامل پنهان غافل می‌مانند. بنابراین لازم است، عوامل اساسی مؤثر در شکل‌گیری برنامه‌ی پنهان شناسایی و آشکار شوند و تا حدودی در طراحی و اجرا، تحت ضابطه و کنترل درآیند.

یکی از عواملی که در کم کردن فاصله‌ی بین برنامه‌ی درسی رسمی و پنهان تأثیر دارد، مشارکت دانش‌آموزان در جریان آموزش است. دانش‌آموزان در صورت مشارکت در طراحی و اجرای تدریس، فعالیت‌های یادگیری را با اهمیت تلقی خواهند کرد و با علاقه و آگاهی، برای یادگیری و رسیدن به هدف‌های آموزشی خواهند کوشید. عامل دیگر، آگاهی برنامه‌ریزان و معلمان از عوامل غیرآشکاری است که در آموزش مؤثرند. برای مثال، وقتی معلم بداند که نوع برخورد او در ارزشیابی از آموخته‌های دانش‌آموزان و نتایج

مترتب بر ارزشیابی مؤثر است، سعی می‌کند رفتار خود را در جهت تقویت ارزش‌ها و گرایش‌های مطلوب تنظیم کند. یا وقتی که متوجه شود، طرز تلقی‌های او درباره‌ی رابطه‌ی معلم و دانش‌آموز در کلاس درس و نقش دانش‌آموز در یادگیری (منفعل یا فعال بودن) او، در شکل‌گیری نگرش‌های او اثر دارد، سعی می‌کند روابط آموزشی داخل کلاس را به شکل مفید و ثمربخش سازمان دهد.

## ادامه برنامه‌ی درسی پنهان

## و طراحی آموزشی

برنامه‌ی درسی پنهان به یادگیری‌هایی اطلاق می‌شود که به طور آشکار مورد نظر معلمان (یا به طور کلی مدرسه) نیست یا اگر مورد نظر است، دانش‌آموزان رسماً و علناً شناختی از آن ندارند. به نظر می‌رسد برنامه‌ی درسی پنهان، چنان‌که به آسانی از این تعریف برمی‌آید، بسیاری از ابعاد گوناگون زندگی مدرسه‌ای را دربرمی‌گیرد و هنوز جدا کردن و تمایز آن از دیگر مفاهیم نزدیک به آن مشکل است. واژه‌های گوناگونی که به جای این واژه به کار می‌روند، از قبیل برنامه‌ی درسی نانوشته، بررسی نشده، پوشیده و پنهان، به خوبی این ابهام را نشان می‌دهند. دقیق نبودن این مفهوم، این سؤال را مطرح می‌کند که: «چرا واژه‌ای چنین مبهم، تا این حد در میان عموم رواج پیدا کرده است؟» به نظر بلوم، برنامه‌ی درسی

پنهان احتمالاً در بسیاری از جنبه‌ها از برنامه‌ی درسی آشکار مؤثرتر است. آموزه‌های آن، مدت زمان بیشتری در حافظه باقی می‌ماند و به مدت طولانی پایدارند. به نظر می‌رسد، عمومیت یافتن واژه‌ی برنامه‌ی درسی پنهان از این احساس شهودی بسیاری از محققان سرچشمه می‌گیرد که این برنامه با جنبه‌های مهم و مؤثر زندگی مدرسه‌ای رابطه دارد. از این رو با وجود دقیق نبودنش، نمی‌توان آن را نادیده گرفت.

بیشتر آثاری که درباره‌ی برنامه‌ی درسی پنهان نوشته شده‌اند، به ارزش‌ها، تمایلات، هنجارها، طرز تلقی‌ها و مهارت‌هایی پرداخته‌اند که دانش‌آموزان آن‌ها را مستقل از مواد درسی می‌آموزند. برای مثال، جکسون برنامه‌ی درسی پنهان را عبارت از شکل گرفتن یادگیری نحوه‌ی زندگی کردن در محیط اجتماعی می‌داند که در آن، انواع تعامل‌ها، ستایش، تمجید و قدرت وجود دارد. شنایدر (۱۹۷۸) استدلال می‌کند، دانشجوی موفق دانشجویی است که آموزه‌هایی از برنامه‌ی درسی پنهان را فرا می‌گیرد که با نیازمندی‌های واقعی خود او و نه با نیازمندی‌های رسمی نظام آموزشی، در ارتباط است. فرض مشترک تمام نویسندگانی که درباره‌ی برنامه‌ی درسی پنهان چنین نظری دارند، این است که نتایج برنامه‌ی درسی پنهان، یادگیری‌های غیرآموزشگاهی هستند.



## چند پیشنهاد و نکته در ارتباط با برنامه‌ی درسی پنهان

۱. موجودیت، طبیعت و آثار جنبه‌های غیررسمی و غیرمدون «برنامه‌ی درسی پنهان» باید به طور کامل به وسیله‌ی مدیران، معلمان، والدین، دانش‌آموزان و افراد جامعه شناخته و درک شوند. تحقیقات معتبر و نوشته‌های علمی در این زمینه، باید توسط کارکنان مدرسه و معلمان در شورای معلمان، بحث و ارزیابی شود. والدین و دانش‌آموزان نیز باید در این گونه مطالعات مشارکت داشته باشند.

۲. هر تلاش رسمی در طراحی برنامه‌ی درسی، باید بر تمامی ابعاد برنامه‌ی درسی پنهان متمرکز باشد. چنین تلاشی به خصوص در تعریف هدف‌های کلی و هدف‌های رفتاری حیطه‌ی عاطفی، و فراهم کردن فرصت‌های یادگیری که در تسهیل فرایند اجتماعی شدن، به خصوص در ارتباط با رشد اخلاقی و شخصیت اهمیت زیادی دارد، باید

مورد توجه قرار گیرد.

۳. همکاران هر آموزشگاه باید با شرکت دانش‌آموزان و والدین، عمیقاً طبیعت و ویژگی «برنامه‌ی درسی پنهان» مدرسه‌ی خویش را ارزیابی کنند.

۴. ساختار سازمانی، مقررات اداری، خط‌مشی‌ها، قوانین، مقررات و شیوه‌های مدیریت مدرسه در ارتباط با برنامه‌ی درسی پنهان، باید مورد ارزیابی قرار گیرند.

۵. ارتباطات انسانی جنبه‌ای پراهمیت از برنامه‌ی درسی پنهان به شمار می‌روند و کارکنان مدرسه همراه با دانش‌آموزان و والدین، باید ویژگی‌های این فرایندهای تعاملی را ارزیابی کنند و به موضوعاتی نظیر تمایزات طبقه‌ی اجتماعی، گروه‌ها، تبعیض و موارد مشابه، توجه خاص معطوف دارند.

۶. با کم کردن فاصله‌ی بین برنامه‌های درسی رسمی و پنهان و با مشارکت دادن دانش‌آموزان در طراحی و اجرای تدریس، فعالیت‌های یادگیری را با اهمیت نشان خواهند داد. دانش‌آموزان بدین ترتیب، با علاقه و آگاهی برای یادگیری و رسیدن به هدف‌های آموزشی تلاش خواهند کرد.

۷. معلم باید عوامل مؤثر بر برنامه‌ی درسی پنهان را بشناسد و با در نظر گرفتن آن‌ها در طراحی و اجرای آموزش، منطقی‌تر عمل کند.

۸. پیشنهاد می‌شود، مفاهیم بنیادی نظری و یافته‌های عملکردی

برنامه‌ی درسی پنهان از طریق دوره‌های تربیت معلم، ضمن خدمت، کارگاه‌های روش تدریس، و رسانه‌های گروهی، به اطلاع دست‌اندرکاران تربیتی، مدیران و والدین رسانده شود و منابع مناسب برای مطالعه در اختیار آنان قرار گیرد.

### منابع.....

۱. ملکی، حسن. برنامه‌ریزی درسی (راهنمای عمل). مدرسه. تهران. ۱۳۷۶.
۲. شریعتمداری، علی. جامعه و تعلیم و تربیت. امیرکبیر. تهران. ۱۳۶۵.
۳. یار محمدیان، محمدحسین. اصول برنامه‌ریزی درسی. یادواره کتاب. تهران. ۱۳۷۷.
۴. قورچیان، نادرقلی. «تحلیل از برنامه‌ی درسی مستتر، بحثی نو در ابعاد ناشناخته نظام آموزشی». فصل‌نامه‌ی پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی. شماره‌ی ۱. سال دوم. ۱۳۷۳.
5. MC Neil, J: Curriculum, A Comprehensive Introduction. Boston, Little rown and compag, F, 209.
6. Eisner, E, W: the Educational Imagination: on the disign and evaluation of school programs. New York: Macmillan publishing.
۷. جی. گالن، سیلور؛ الکساندر، ویلیام ام. ریویس، آرتور. برنامه‌ی درسی برای تدریس و یادگیری. ترجمه‌ی دکتر غلامرضا خوبی‌نژاد. آستان قدس رضوی. مشهد. ۱۳۷۲.
۸. گیج، نیت ل. برلانیر، دیوید سی. روان‌شناسی تربیتی. ترجمه‌ی غلامرضا خوبی‌نژاد و دیگران. آستان قدس رضوی. مشهد. ۱۳۷۲.
۹. فصل‌نامه‌ی حوزه و دانشگاه، شماره‌ی ۱۹، تابستان ۱۳۷۸.